

در خواست سه ساله مردم برای نصب پل عابر پیاده در عبدالمطلب ۳۹

مرگ یک دانش آموز، نگرانی صدها پدر و مادر

فرامرز



شهرداری متولی نیست

رئیس ناحیه یک شهرداری که خیابان عبدالمطلب در آن واقع است، متولی این گونه امور را سازمان ترافیک می داند و می گوید: درخواست مردم، مستقیم به سازمان ترافیک فرستاده می شود و باید از اداره ترافیک منطقه پیگیر روند آن باشید، چون عملاً شهرداری نواحی یا مناطق، بودجه ای در این زمینه ندارد.



پل نصب می شود اما دانش معلوم نیست

حسن زاده رحمانی، رئیس اداره ترافیک منطقه ماست. او پس از بررسی درخواست مردم برای نصب پل عابر پیاده در عبدالمطلب ۳۹ اظهار می کند: مکاتبات متعددی با سازمان ترافیک شهرداری انجام شده است. ما نظر مردم را به آن ها ارجاع دادیم. سازمان ترافیک هم پس از بررسی نظر و درخواست مردم اعلام کرد که نیاز این خیابان به پل عابر پیاده تأیید شده است اما معلوم نیست کی این اتفاق می افتد. وی به فهرست اولویت بندی موجود در سازمان ترافیک اشاره می کند و می گوید: نصب پل در فهرست قرار گرفته است اما معلوم نیست در چه درجه ای از اولویت قرار دارد و کی نصب می شود.



معلوم نیست چند دانش آموز دیگر باید وقت عبور از خیابان آسیب ببینند تا بالاخره نصب یک پل هوایی در این قسمت از شهر در اولویت قرار بگیرد؟

کم نیستند پل های عابر پیاده ای که سال به سال استفاده نمی شوند و چه زیادند خیابان هایی که اگر یک پل عابر داشته باشند، خیال خیلی ها راحت می شود. اینکه بالاخره در خیابان عبدالمطلب ۳۹ پل عابر پیاده نصب می شود، درست؛ اما به نظر تان نباید خیابانی که محل عبور و مرور صدها دانش آموز است در اولویت قرار بگیرد؟ کمی توجه باید!

سرویس رفت و برگشت برای فرزندان تان تهیه کنند، چنان که یکی از والدین می گوید: سال گذشته برای دخترم سرویس گرفتیم اما امسال هزینه هایمان بیشتر شده. پسرمان دانشجویست و نمی توانیم از پس هزینه ها بربیاییم. به اجبار با همسایه مان یک روز در میان قرار گذاشته ایم که بچه ها را ببریم و بیاوریم. این گونه خیالمان راحت تر است. چاره ای هم نیست.



سال گذشته و اتفاقی تلخ

طبق گفته والدین، سال گذشته در مدرسه ابتدایی غوغایی شد. یک دانش آموز کلاس چهارمی وقت عبور از خیابان تصادف کرد و کشته شد. تا مدت ها دانش آموزان آن مدرسه در بهت بودند. نماینده تشکلهای شورای اجتماعی این محله در این مورد به پیگیری سه ساله مردم برای نصب پل عابر پیاده اشاره می کند و می گوید: مردم سه سال است پیگیرند تا پل عابر پیاده در این خیابان نصب شود. شورای اجتماعی نیز این درخواست مردم را به شهرداری و سازمان ترافیک منتقل کرده است اما با وجود بارها پیگیری و نامه نگاری، هنوز هیچ خبری از نصب پل نیست.

عصمت حسین زاده به تصادف های مکرری اشاره می کند که در این خیابان رخ داده است و ادامه می دهد: در این خیابان بارها تصادف شده است. آن قدر پیرمرد و پیرزن و کودک در این خیابان تصادف کرده اند که حسابش از دستمان دررفته است اما سال گذشته یک دانش آموز کلاس چهارم ابتدایی در این خیابان بر اثر تصادف فوت کرد که هنوز از این بابت ناراحتیم.



مردم هنوز پیگیرند

این نماینده شورای اجتماعی محله عبدالمطلب به پیگیری مجدانه مردم اشاره می کند و می گوید: مردم هنوز خسته نشده اند و از پیگیری می کنند که کی بنابرین در این خیابان، پل عابر پیاده نصب شود اما ما پاسخی نداریم به آن ها بدهیم. این موضوع آزارمان می دهد چون کاری از دستمان بر نمی آید.



خیابان عبدالمطلب از آن دسته خیابان هایی است که اگر در عبور از آن یک لحظه حواس تان پرت شود، سروکارت با کرام الکاتبین است. در این خیابان، خودروها با چنان سرعتی از کنار تان عبور می کنند که باد حاصل از عبور خودرو را می توان حس کرد. حال کودکانی را تصور کنید که با تعطیل شدن از مدرسه به دنبال هم می روند، با هم شوخی می کنند و با بی خیالی تمام از عرض خیابان عبور می کنند. آن وقت اول ماجراست. این مواقع پل هوایی جان ها را نجات می دهد و آرامش می آورد.

ماجرا جایی بیخ پیدا می کند که در نظر بگیرید در خیابان عبدالمطلب ۵۲ پنج مدرسه وجود دارد. دوتا از این مدارس هم ابتدایی هستند. درست مقابل این خیابان، عبدالمطلب ۳۹ قرار دارد که شهرکی پر جمعیت است و عده زیادی از دانش آموزان برای رسیدن به مدرسه از آن سوی خیابان به این سو تردد می کنند. نکته غم انگیز وجود نداشتن پل هوایی در خیابان عبدالمطلب ۳۹، مرگ یک دانش آموز ابتدایی بر اثر تصادف در همین خیابان بوده است.



دل نگرانی های مادرانه

زمان تعطیلی مدارس، مادرهای دانش آموزان، راننده های سرویس مدارس و بعضی پدرها با دو چرخه یا موتورسیکلت انتظار فرزندانشان را می کشند. یکی از مادرها که با دختر دوساله اش به دنبال پسرش آمده است، در این مورد می گوید: به زودی هوا سرد می شود و رفت و آمد برایمان سخت. مجبورم دختر کوچکم را با خودم بیاورم. سال گذشته دخترم یک ساله بود. مدام در زمستان مریض می شود. چاره ای نیست؛ اگر دنبال پسرمان نیایم، تا برسد خانه، نصف عمر می شوم. آنچه در صحبت های این مادر مشخص است، دل نگرانی والدین از عبور فرزندشان از عرض خیابان است. خیابانی که حجم انبوهی از تردد را در خود جای داده است. در این مورد نمی توان انتظار داشت همه خانواده ها با هر سطح درآمد برای عبور از عرض خیابان

{درنگ}



خوبی های حبوباتی

به سمت می دود و قلکش را به صورت نزدیک می کند. با چشم هایش، صورتش را می کاود. منتظر عکس العمل می ماند. وقتی به سمت کابینت می روم، برق شادی در صورتش می دود. جیغی می کشد و هوراکنان منتظر می ماند تا یک لوبیا در قلکش ببندازم. امروز یک هفته است که مهدکودک «آیات بیداری» در منطقه ما در طرحی جالب و خلاقانه از والدین خواسته است که در مقابل کارهای خوب قرآن آموزشش یک نخود یا لوبیا در قلکی ببندازند. در این یک هفته دخترم با هیجان، خودش اسباب بازی هایش را جمع می کند. خودش لباس هایش را مرتب می کند و خودش برای کمک به من پیش قدم می شود. در این طرح با نخودها و لوبیاهایی که از کار خوب قرآن آموزان جمع شده است، آشی پخته می شود و در روز اربعین یا شهادت امام رضا (ع) به آن ها داده می شود.

با این اقدام، علاوه بر اینکه خانواده ها در ثواب پخت آش نذری شریک و کودکان قرآن آموزشان هم با این روند آشنا می شوند، کودکان تشویق می شوند که در طول روز رفتاری مناسب و خوش داشته باشند.



نصب پلاک افتخار بر سردر منزل شهید روحی

جمعی از مسئولان شهرداری منطقه ۲ با خانواده شهید ابراهیم روحی دیدار کردند. جمعی از مسئولان شهرداری منطقه ۲ مشهد با خانواده شهید ابراهیم روحی دیدار کردند و پلاک افتخاری را که بر روی آن مشخصات و تاریخ شهادت شهید درج شده بود، بر سردر منزل وی نصب کردند. شهید ابراهیم روحی متولد ۱۳۴۰ بود که در سال ۱۳۶۰ در منطقه بستان به شهادت رسید و پیکر مطهرش در حرم امام رضا (ع) آرام گرفت.

